جواهر الکلام

۱۷۸۰۱

هو

مختصر رساله ایست موسومه بجواهر الکلام و مفتاح المرام در توضیح قواعد محکمهٔ طریقهٔ حقهٔ علویه و تنقیح مبانی آداب سلوک در سلسلهٔ علیهٔ کبرویهٔ رضویهٔ مهدویه علی صاحبها آلاف الصلوة والسلام والتحیة تألیف بندگان حضرت مستطاب قدسی انتساب کروبی نصاب قدوة اولی الألباب صفیر العارفین و منجی الهالکین الأجل الأکرم الأفخم الأسعد الامجد الأمنع اشرف الأعظم

شعر

دلیل زمرهٔ اهل طریق حقانی
رئیس فرقهٔ سلاک از خودی فانی + بنام شهرهٔ آفاق میشود پرویز
لقب صفیر ز قطب سپهر امکانی + رئیس فقرای حقهٔ کلیهٔ آذربایجان

ادام الله تعالی ظله الوالی العالی علی رؤس الأدانی و الأعالی که بطور کمال ایجاز و اختصار مرتب فرموده اند تا برای مبتدیان اهل سلوک تبصره و به منتهیان اهل ثبات تذکره باشد +

والسلام خیر ختام

دو باره زیور طبع آراسته نمود این رساله

شریفه جواهر الکلام و مفتاح المرام را جناب

جلالتمآب اجل امجد سرکار عباسقلیخان

وفادار صداقت کردار سالار رشید سعید

سرابی برادر والاگهر حضرت اجل اکرم

افخم اقای خان باباخان ملقب بعنایت الولایه

والسلطنه و جناب جلالتمآب اجل امیر مودت

تخمیر حاجی اسمعیل خان امیر تومان ایدهم

الله الملک المنان و دام اقبالهم که قربتا الی

الله و طلبا لمرضاته مجانا بسلاک و فقراء سلسله

علیه ذهبیه رضویه علیه و آبائه و ابنائه الاف

الصلوة والسلام والتحیة و سایر طالبین آن ازهر

طبقه باشد برسد بعنایت الله تعالی که فیض آن

عاید وراجع اسلاف واخلاف شان گردیده

وزاد دار معاد خود قرار داد بحول الله العلی

وعنایاته

نویسنده این کتاب شریف طاهر بن

الحاج عبد الرحمن قراجه داغی الأصل و

التبریزی المسکن ودر مطبعه مشهدی اسد آقا بزیور

آراسته گردید

تاریخ شهر جمادی الأولی سنه ۱۳۳۵ هجری

جواهر الکلام

هو الاجلّ جلّ جلاله

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله ربّ العوالم والانام والصّلوة والسلام علی اشرف المکوّنات محمّد وآله البررة الکرام سیّما وصیّه وابن عمّه ووزیره الّذی هو هادی الائمّة من الخواصّ والعوام وناصر الانبیاء والاوصیاء بالتّمام وبعد چون بعضی از سالکین سبیل الهی ومتشرّعین شریعت غرّای حضرت رسالت پناهی صلّی الله علیه وآله دستور العملی در

آداب و اسلوب مشی در طریقهٔ حقهٔ فقر
ذهبیه از این خاکپای فقراء سلسلهٔ علیهٔ
رضویه علی صاحبها السّلام و التّحیّة اعنی العبد
الفقیر النّاسی پرویز سلماسی خواهش نمودند
لهذا این حقیر کثیر التّقصیر با وجود عدم سعادت
و کمی بضاعت و استطاعت ایجابا للملتمس
الأخوان الّذین آراءهم لازم الأتّباع مطالبی را
که ضروری و لابدّ منه طالبان طریقهٔ مرتضوی
و سالکان جادّهٔ مستقیمهٔ فقر رضوی علیهما
السّلام که بطن اوّل شریعت بیضای
حضرت مصطفوی صلّی اللّه علیه و آله است
بشهادت آیات و اخبار بنحو اختصار

خیر الکلام ما قلّ و دلّ اینچند ورق غیر منظوم و منثق
را مرتّب و برای یادگار و تذکار خواطر ابرار
روزگار برشتهٔ تألیف منتظم و ملفق نمود
استدعا از عموم مطالعه کنندگان این وجیزه آنست
که در هر جای آن سهوی و خبطی من حیث اللفظ
والمعنی املاءً او انشاءً واقع شده باشد بنظر
اغماض ملحوظ و در تصحیح و اصلاح آن صرف
توجه فرموده این عاصی را بدعای خیر و طلب
مغفرة یاد و شاد فرمایند وها انا اشرع فی
المرام بعون الملک العلاّم اعلموا اعزّکم الله
فی الدارین اصل الاصول و نقطهٔ مرکزی
طریقت غرّا که پرکار سلوک بدور سر آن میگردد

وقت وافی وجد وسعی بلیغ در بجا آوردن
واهتمام کلّی نمودنست در اوامر یعنی در
واجبات ومستحبّات شریعة بیضاء واجتناب
کردن از نواهی یعنی از محرّمات ومکروهات
آن کما قال صلّی الله علیه وآله الشّریعة
اقوالی والطّریقة افعالی والحقیقة حالی
والمعرفة رأس مالی فلهذا البتّه متابعت
بافعال نبی صلعم برای امّت لازم بل واجبست
پس بدلالت همین حدیث شریف وسایر
احادیث صحیحه شریعت وطریقت لازم
ملزوم یکدیگرند کالرّوح والجسد فقدان یکی
باعث فساد وتعطیل دیگری خواهد بود

چنانچه در اخبار وارد است الشّریعة بدون الطّریقة وسوسة والطّریقة بدون الشّریعة زندقة و چون ابلیس پر تلبیس برای آنکه از عهدهٔ دعوی لأغوینّهم اجمعین برآمده باشد در دل انسان را که مخزن جواهرات نفیسهٔ اسرار الهی است از جهة عداوت جبلّی که با آدم ابو البشر علی نبیّنا وآله وعلیه السّلام داشت با قفل غفلت محکم بسته است لهذا بزرگان دین مبین که انبیا و اولیاء سلام الله علیهم اجمعین میباشند برای گشایش و انفتاح این در مقفّل کلید پنج دندانهٔ مرتّب داشته و فرموده اند

جوع و صمت و سهر و عزلت و ذکر بدوام

در توفیق گشاید برخ جمله انام

واصل همهٔ اعمال وافعال مستحبهٔ حسنهٔ شریعت
ومستحسنهٔ طریقت این اعمال پنجگانه را دانسته سایر
آداب مرضیه واطوار خیریه را طراز ناشی وتفرع
ازین اصول خمسه میدانند بنابرآن دراثبات
وتبیین اشارات هریک از دندانه های مفتاح
مذکور درین اوراق فصل مختصری پرداخته ودر
ضمن هر مطلب یکدو فقره حدیث معتبر مأثور از
امام علیه السلام وچند بیت اشعار فارسی وترکی که

عشق را خود صد زبان دیگرست

از کلمات حکمت دلالات کملین اولیاء رضوان
الله علیهم به عرض حضور دوستان مولا روحی لهم

القدر سانده چون بزرگان فرموده اند درخانه
کس است یکحرف بس است لهذا طریق
اختصار را بسیار مرعی میدارم بعلت آنکه اگر
کسی توفیق قبول مطلبی را داشته باشد مختصر اشاره
و موجزترین تنبیهی او را کافی و اگر غیر آن بوده
و در جهل مرکّب نعوذ بالله منغمر باشد اگر صد هزار
حدیث و تمام کلمات اولیاء را براو بخوانند مثمر
نگردیده بلکه لایزیده الّا خسارا خواهد گردید
و الّا چون تالیف است نه تصنیف پر واضح
است که ممکن بود در هر مسئله فصول مشبعه پرداخته
و در هر فقرهٔ ذیلهای مطوّل ساخته شود و بالله
التّوفیق

اصل اوّل از اصول یگانه طریقتی

جوع است یعنی تقلیل طعام بتدریج کما قال سید
الانام علیه وآله السلام سید الاعمال الجوع
یعنی آقای عملها گرسنگی وکم خوردن است ودر
تعریف جوع وثمرات مرتبه ازاین صفت جمیله

بزرگی بزبان ترکی میفرماید

آجلق که طوق ایلراول قمواعضانی
آجلقده بونفس ترک ایدر دنیانی
هم آجلق آچار رموز هر معنانی
آجلقده تاپار بوجان ودل مولانی

وجناب شیخ عزلتی رحمة الله علیه فرموده

گرچه پرخوردن بود شیرین وچرب
لیک شمس عمر را آرد بغرب

زانکه کم خوردن بقول مصطفیؐ
میدهد دلرا صفا جانرا ضیاء
گفت در قرآن خدا اگرچه کلوا
از پی آن کرد امر واشربوا
لیک بعد از هردو ایجان عمو
نهی سیری کرده بالاتسرفوا
پرخورانرا دل مکدر میشود
پرخورانرا عقل از سر میرود
هرکه کم خور گشت پر ادراک شد
جانش از لوث قساوت پاک شد
وانکه پرخور گشت پر آزار شد
در کسالت او فتاد از کار شد

جوع و کم خوردن سعادت آورد
شبع و پرخواری شقاوت آورد
وانکه عبد البطن شد ای هوشمند
گشت پیش خلق و خالق ناپسند
هر که تن را پرورد آن بی خبر
نیست انسان هست گاو و خوک و خر
بلکه بدتر باشد از خوک و بقر
زانکه نبود خوردن ایشان را ضرر
چونکه گشتی سیر مرداری شدی
بی خبر برپا چو دیواری شدی
خود دمی مردار و دیگر دم سگی
چون کنی با شیر مردان هم تگی

نفس بد را هر که سیرش میکند
بر گنه کردن دلیرش میکند
چونکه گشتی فارغ از خوردن چنان
دان که خوردی جمله آلاء جهان
نیست حاصل غیر از ثقل و تعب
رنج و محنت آمده رفته طرب
نفس دشمن آمد ای مرد سند
هیچ عاقل دشمن خود پرورد
ایخلف بالله کردی ناخلف
گر خوری بسیار زین آب و علف
بهر مور و عقرب و کرمان و مار
پروری تنرا تو در لیل و نهار

در فضایل جوع بیّنه و شهود الی ماشاء الله موجود
است ولی چون بنای این وجیزه چنانکه مکرّر
عرض شد بر اختصار است بهمین قدر ها اکتفا شد

اصل ثانی از قواعد خمسهٔ حقّه صمت است

یعنی تقلیل در کلام کما قال مولی الکلّ امیر المؤمنین ع
لوکان التّکلّم فضّةً لکان السّکوة ذهبًا یعنی
هرگاه تکلم بمنزلهٔ نقره باشد هر آینه خاموشی طلا
خواهد بود ایضاً فرموده اند مَن سَکتَ نجیٰ
یعنی هر که سکوة گزید نجات یافت ✦ و حضرت
شیخ الأجلّ بهاء الدّین محمّد عاملی قدّس سرّه فرموده

گوش بگشا لب فرو بند از مقال
هفته هفته ماه ماه و سال سال

صمت عادت کن که از یک گفتنت

میشود زنارت این تحت الحنک

ای خوش آنکو رفت در حصن سکوت

بست دل در ذکر حی لا یموت

خامشی باشد مقال اهل حال

گر بجنبانند لب گردند لال

رو نشین خاموش چندان ای فلان

که فراموشت شود نطق و بیان

چند با این ناکسان بیفروغ

باز پیمائی دروغ اندر دروغ

و مولوی معنوی میفرماید

اینچنین گفته اکابر در جهان

اصل ثالث از شرایط معظمهٔ پنجگانه سهر است یعنی تقلیل منام که عبارت از کم خفتن باشد کما قال رسول الله صلی الله علیه وآله و سلّم کلّ عین باکیة یوم القیمة الّا ثلثة اعین عین بکت من خشیة الله و عین غضّت عن محارم الله و عین سهرت فی طاعة الله یعنی جمیع چشمها گریه کننده اند در روز جزا مگر سه چشم چشمی که گریان باشد در دنیا از خوف خدا و چشمی که پوشیده شده باشد از نامحرم و چشمی که بیدار باشد در عبادت و اطاعت حقتعالی

چون گلرشب وقت خلوتگاه اولور
دِجهٔ عشاق وجه ماه اولور
ایقو بجرنده هامو خلق اولسالا
ایقوسیزلر وقتی الا الله اولور
خواب
قول لرنکث شب قیل و قالی قورتولور
وقت الهامات شاهنشاه اولور
شب نزول ایلر چو سلطان تختنه
جمله سوزلر اول زمان کوتاه اولور

و در غزل ترکی دیگر در قافیهٔ سحر در تعریف بیداری میفرماید

اهل عشقنک دیده سی بیدار اولور وقت سحر
جان اهل دل طولی اسرار اولور وقت سحر